

Theories and criticism in Arabic literature¹

The First Year, Issue 3, Fall 1400

Pp: 57-76

Research Paper

DOR:

An analysis of social themes in Ayman I-Atum's poem(case study of Diwan Naboat Al-Jaein)

Mahvash Hayati², Rasul Ballawy³

(Received:2021.05.27, Accepted:2021.10.03)

Abstract

Literature has a strong connection with social issues in every society, and poetry has been considered as one of the most impressive and impressionable sample in connection with social themes. The aim of the article is to evaluate social issues in Ayman al- Atum 's poem. He, like any other poet of his time, has been deeply affected by social matters, and therefore this subject is clearly reflected in his works. The most serious issues, which are mentioned in his works, are poverty, sense of justice, patriotism, oppression and savagery. This research using analytical and descriptive method attempts to analyse the poet's view of social issues, miseries, penury and persecution emphasizing library studies in Diwan Naboat Al-Jaein. Research findings indicate that the poet effectively expresses different aspects of a disorganized society with a sharp language and an admired perspective. He considers himself to be a social reformer and has always felt it is his duty to assist his fellow countrymen⁴. He has also demanded the restoration of people 's rights, establishing justice and avoiding tyranny and aggression.

Keywords: Contemporary literature, Arabic poetry, Social themes, Ayman al-Atum, Diwan Naboat Al-Jaein.

² . Master's student in Arabic Literature, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr-Iran, email: hayatimh1400@gmail.com.

³ . Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Persian Gulf University, Bushehr-Iran (corresponding author), email: r.ballawy@pgu.ac.ir.



مقاله پژوهشی

DOR:

واکاوی مضامین اجتماعی در شعر ایمن العتوم (مطالعه موردی دیوان «نبوءات الجائعين»)

مهوش حیاتی^۱، رسول بلاوی^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱)

چکیده

ادبیات، رابطه محکمی با اوضاع اجتماعی هر جامعه دارد. در رابطه میان ادبیات و اجتماع یک بازخورد دو طرفه تاثیر پذیری و تاثیر گذاری وجود دارد. در این میان شعر ارتباط تنگاتنگی با مضامین اجتماعی دارد و شاعر از شعر در جهت بیان مشکلات جامعه بهره برده است. این پژوهش در پی آن است که مضامین اجتماعی را در شعر ایمن العتوم بررسی کند. العتوم مانند هر شاعر دیگری از اوضاع اجتماعی زمان خویش تاثیر پذیرفته و مضامینی همچون فقر، عدالت خواهی، وطن گرایی، ظلم و خشونت در اشعار او به وضوح نمایان است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با تاکید بر مطالعات کتابخانه‌ای و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا بر آن است که دیدگاه شاعر را نسبت به اوضاع اجتماعی جامعه بررسی کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نویسنده زاویای مختلف جامعه نابسامان را با زبانی برنده و دیدی در خور تحسین، بیان می‌کند و شاعر به عنوان فردی اصلاح کننده؛ با بیان مضامین اجتماعی، وظیفه خود را در خدمت به هموعان خود به خوبی ایفا می‌کند و خواستار احیای حقوق پامال شده مردم و برقراری عدالت و دوری از ظلم و ستم و پرهیز از خشونت است.

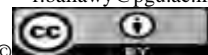
کلیدواژگان: ادبیات معاصر، شعر عربی، مضامین اجتماعی، ایمن العتوم، دیوان نبوءات الجائعين.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر- ایران، ایمیل:

hayatimh1400@gmail.com

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر- ایران (نویسنده مسوول)، ایمیل:

r.ballawy@pgu.ac.ir



۱. مقدمه

ادبیات به عنوان آینه ای عمل می کند که بسیاری از ویژگی های یک جامعه در آن منعکس می شود؛ بنابراین ادبیات و اجتماع به عنوان عوامل تاثیر گذار بر هم و تاثیر پذیر بر یکدیگر، همواره در تعامل دو جانبه هستند. پیشرفت های مختلف بشر در کنار تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بر ارتباط ادبیات با جامعه در همه زمان ها، تاثیر گذاشته است. جامعه شناسی ادبیات به عنوان یکی از حوزه های مطالعه ادبیات به بیان اوضاع و شرایط اجتماع می پردازد. مضامین اجتماعی در سطوح مختلف شعر معاصر عربی هم چون دوره های قبل از آن، جلوه ای گسترده دارد و شعر معاصر در آگاه سازی مردم از تحولات اجتماعی نقش بسزایی دارد لذا می توان گفت همه مضامین اجتماعی به کار رفته نزد شاعران با زندگی آنها پیوندی ناگسستنی دارد.

توجه به مضامین اجتماعی از مسائل مهم در شعر معاصر عربی است و این مضامین به عنوان یکی از مهمترین بن مایه های هستند که شاعران در جهت بازتاب رنج های اجتماعی از آن بهره برده اند؛ ایمن العتوم از جمله این شاعران است که در بیشتر اشعارش به مضامین اجتماعی توجه خاصی داشته است. با توجه به این که شعر امروز در بیدار کردن و آگاه سازی تفکرات و نگرش های اجتماعی نقش مهمی را ایفا می کند؛ لذا شاعر می کوشد با تاکید بر مسائل اجتماعی بر تاثیر گذاری بیشتر اشعارش در لایه های جامعه تاثیر بگذارد.

دیوان «نبوءات الجائین» اثر ایمن العتوم سرشار از مضامین ارزنده ای است که شاعر در دوران حیاتش در زندان، در اعماق وجودش نهفته و به خوبی احساس و عواطف خود را نسبت به وطن، ظلم، بی عدالتی و فقر بیان می کند. شاعر در این مجموعه شعری از مفاهیم مقاومت به خوبی بهره برده است تا شرایط زندگی جامعه عرب، دردهای درون خود و ظلم و ستم حاکمان را به خوبی بیان کند. در این پژوهش برآنیم که مهم ترین مضامین به کار رفته در اشعار شاعر را استخراج و نقد و تحلیل کنیم.

پرسش های پژوهش

پرسش های پیش رو در این جستار را می توان ذیل این موارد مد نظر قرار داد:

- بارزترین مضامین اجتماعی در شعر ایمن العتوم کدامند؟

- علل تاثیر گذار بر شکل گیری مضامین اجتماعی در اشعار ایمن العتوم کدامند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره آثار ایمن العتوم انجام شده؛ اما در مورد مضامین اجتماعی اشعار شاعر تاکنون هیچ پژوهشی انجام نشده است. در ادامه به مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش اشاره می‌شود:

- زهرا شب‌خیز در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی مضامین اجتماعی در شعر عبدالرحمن شکری» (۱۳۹۵ش) به بیان شرایط محیطی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مصر پرداخته و ریشه تمام مشکلات کشور خود را ناشی از اصول سیاسی حاکم بر جامعه مصر که از سوی انگلیس بر آنها تحمیل شده، می‌داند و برای بیان این مضامین از صور بلاغی بهره برده است.

- حلیمه فولاد در پایان‌نامه خود با عنوان «مضامین اجتماعی در اشعار سعادت الصباح» (۱۳۹۳ش) به بررسی مسائل مربوط به زنان، جوانان، کودکان و وطن در کشور کویت می‌پردازد و راه‌هایی از چنگال ظلم و استبداد را یکدلی و وحدت معرفی کرده است.

- محمدمهدی سمتی و سمانه تقوی (۱۳۹۱ش) در مقاله «مضامین اجتماعی فی روایه لیل و قضبان لنجیب کیلانی» مجله بحوث فی اللغة العربیة و آداب‌ها، با زبانی رسا و شیوا به بیان مشکلات جامعه پرداخته و از فقدان آزادی و زندگی در زندان در جهت تبیین مضامین اجتماعی استفاده کرده‌اند.

- عنایت‌الله شریف‌پور و زهرا سلیمانی (۱۳۹۸ش) در مقاله «بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در اشعار جبران خلیل جبران و نیما یوشیج» نشریه ادبیات تطبیقی به این نتیجه رسیده‌اند که شاعران مذکور به خوبی مسائل مربوط جامعه خود را به صورت سمبولیک به رشته تحریر در آورده‌اند.

- جلیله شریفی در پایان‌نامه خود با عنوان «تجلیات الرفض فی شعر ایمن العتوم» (۱۳۹۷ش) به بررسی اعتراض شاعر نسبت به پدیده استعمار، اشغالگری، خفقان و هرج و مرج جامعه پرداخته است.

- سیده فاطمه علوی محمدیان در پایان‌نامه خود با عنوان «نمودهای ادبیات پایداری در اشعار ایمن العتوم» (۱۳۹۷ش) به بررسی مسائل اتحاد کشورهای عربی، تشویق جوانان فلسطینی به دفاع، منزلت والای شهیدان، قیام بر ظلم و ستم صهیونیست پرداخته است.

- عباس یداللهی فارسانی (۱۴۴۰م) در مقاله‌ای با عنوان: (الأنماط التراثیة فی شعر ایمن العتوم) «دیوان خذنی الی مسجد الاقصى نموذجا» چاپ شده در مجله آداب الکوفه، به بررسی میراث تاریخی، دینی، صوفی و ادبی در شعر ایمن العتوم و دردهای درونی شاعر و بیزاریش نسبت به صهیونیست جهت بیان مشکلات معاصر پرداخته است.

- جلیله شریفی و دیگران (۲۰۱۹م) در مقاله «دوافع الرفض و انماطه عند الشاعر الاردنی ایمن العتوم» چاپ شده در مجله ذی قار، به بیان انگیزه‌های شاعر از پرداختن به شعر اعتراضی پرداخته‌اند.

- علی کواری (۲۰۱۹م) در مقاله «مظاهر المقاومة فی دیوان نبوءات الجائعين ایمن العتوم» چاپ شده در مجله‌ی الباحث، به مؤلفه‌های مقاومت در دیوان مذکور پرداخته است.

زندگی نامه شاعر

ایمن العتوم شاعر و رمان نویس اردنی در سال ۱۹۷۲م در استان جرش در کشور اردن به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی را در کشور امارات متحده عربی و امارت عجمان سپری کرد. سپس به دانشگاه علم و صنعت اردن ملحق شد تا در زبان عربی تحصیلات عالی خود را تکمیل کند و به مدرک کارشناسی ارشد و دکتری در زبان عربی دست یافت و در نحو و لغت متخصص شد.

او از کودکی دارای قریحه شعری بود و بارزترین شعرهایش را در موضوعات سیاسی و اجتماعی سرود و به سرعت مشهور شد. او «به خاطر قصیده «یومیات مواطن» و قصیده «السلم للاجبال» از دانشگاه اخراج شد و در فاصله زمانی تدریس در سال ۱۹۹۶م و ۱۹۹۷م به خاطر قصیده‌ای که در شب شعر در قلعه عجولان خواند و ضد وطن بود، محکوم به زندان سیاسی شد» (شریفی و دیگران، ۲۰۱۹م: ۲۴۲). العتوم شاعر و نویسنده‌ای توانمند است که آثار منظوم و منثور بسیاری تالیف کرده است. «نام رمان‌های او همگی مقتبس از آیات قرآن است؛ از جمله رؤوس الشیاطین، سته عشر، أنا یوسف، اسمه أحمد، أرض الله، یا صاحبی السجن و...» (نادری، ۲۰۲۱م: ۴۲۶). «او بخاطر سرودن قصیده یا صاحبی السجن که در سال ۲۰۱۲م از تجربه شخصی شاعر در زندان اردن از سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۶ را بیان می‌کند مشهور شد» (علوی محمدیان، ۱۳۹۷ش: ۸).

جامعه‌شناسی در لغت و اصطلاح

جامعه‌شناسی دارای معانی مختلفی است «جامعه‌شناسی در لغت، علمی است که درباره گروه‌های مختلف، عادات، اخلاق، آداب و رسوم آنها و روابط بین افراد، گروه‌ها، طبقات اجتماعی بحث می‌کند؛ علم الاجتماع» (عمید، ۱۳۸۱ش: ۷) و در معنای اصطلاحی، جامعه‌شناسی به مطالعه و بررسی رفتار و واقعیت‌های اجتماعی و تغییراتی که در زندگیشان رخ داده می‌پردازد. «گرچه افکار جامعه‌شناسی را در تاریخ اولیه بشر می‌توان ردیابی کرد اما جامعه‌شناسی به عنوان رشته علمی متمایز، عمری بیش از یک قرن ندارد» (ریترز، ۱۳۷۴ش: ۳). تاکید جامعه‌شناسی بر این نکته است که بشر با جامعه و فرهنگ خود ارتباطی نزدیک دارد و همه حقایقی که در جامعه خود می‌بیند در درونش تاثیر متقابل

خواهد داشت و به همین خاطر جامعه شناسی بیشترین مطالعات خود را بر روی جامعه، فرهنگ و آداب و رسوم اقشار مختلف آن، متمرکز می‌کند. «جامعه شناسی ادبیات به عنوان یک شاخه علمی، افکار اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و هر آنچه که در بطن جامعه یک اثر ادبی قرار می‌گیرد را بررسی می‌کند؛ افکاری که بیان کننده اوضاع زمانه، عقاید، فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر آن زمان است» (ماهوزی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷).

همان‌طور که جورج معتقد است که «هر چند همه حوزه‌های فکری عمیقاً تحت تاثیر زمینه‌های اجتماعی‌شان شکل گرفته‌اند اما در مورد جامعه شناسی باید گفت نه تنها از همین زمینه برخاسته بلکه خود زمینه اجتماعی و موضوع بررسی بنیادی آن را تشکیل داده است» (ریترز، ۱۳۷۴ش: ۵). شاعران در جایگاه خود، زبان افراد جامعه برای بیان دردها و اوضاع و شرایط زندگی و محیطی آن جامعه به شمار می‌روند چون با زبانی عاطفی احساسات خود و جامعه را به تصویر می‌کشند. «پس در واقع جامعه یکی از مهمترین منابعی است که هنرمند ماده اصلی و اول اثر خویش را از آن می‌گیرد و از سوی دیگر شخصیت و فطرت درونی او نیز به دور از فعل و انفعالات اثر ادبی نمی‌باشد و بر آن تاثیر زیادی دارد» (فولاد، ۱۳۹۳ش: ۱۰). توجه کردن به مسائل مربوط به جامعه یکی از بارزترین و مهم‌ترین دغدغه شاعران است که در این زمینه شاعران عربی از جمله رصافی، جواهری، عبدالوهاب بیاتی و ... به آن توجه کرده‌اند؛ هرچند که در عصر معاصر بیشتر شاعران عرب تالیفات قابل توجه و موثری در این زمینه داشته‌اند. ایمن العتوم به عنوان یک شاعر عصر معاصر، شعر را به عنوان ابزاری برای بیان مسائل و مضامین اجتماعی که در جامعه خود با آن روبرو می‌شود به کار می‌گیرد.

۲. مضامین اجتماعی در دیوان «نبوءات الجائعين» ایمن العتوم

۲-۱. خیانت و نفاق

در واقع، خیانت یکی از مهم‌ترین مسائل فردی و اجتماعی انسان محسوب می‌شود که عامل دشمنی و کینه‌توزی در میان انسانها می‌گردد. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «أبعث العيون من أهل الصدق و الوفاء» (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۱۰) و همان‌طور که در مورد شخص منافق آمده است: «منافق کسی است که دارای دو چهره است و او شخصیت خود را متناسب با موقعیت خود آشکار می‌کند» (سمتی و نقوی، ۱۳۹۱ش: ۱۰۴). از نشانه‌ها و دلایل عدم شادابی و پیشرفت یک جامعه این است که گفتار، عمل و بینش جمعی از جامعه با گفتار و عمل و بینش آن جامعه هماهنگ و متناسب نباشد. «همچنین

در صورتی که شعارها و گفتارها با منش و رفتار عملی آنان متفاوت باشد و این رفتار منافقانه و مزدورانه زندگی اجتماعی را مختل می‌سازد، عامل ذلت و هلاکت جامعه می‌شود» (شب‌خیز، ۱۳۹۱ش: ۸۰). خیانت و دورویی انسان، باعث می‌شود که فرد به بیراهه و گمراهی آشکار منحرف شود. نمونه بارز این امر را می‌توان در نهضت جنگل مشاهده کرد جایی که خالو قربان با دسیسه روس‌ها به جنگلی‌ها و شخص میرزا کوچک خان خیانت کرد و میرزا را به قتل رساند و با کشته شدن او نهضت جنگل به کلی از بین رفت و شمال کشور به دست روس‌ها اشغال شد. مصداق‌های زیادی را می‌توان در زیر مجموعه خیانت جا داد. در عصر جدید عده‌ای از شاعران در جهان به خصوص کشورهای عربی بر ضد حاکمان و کشورهای غاصب که با هم در این خیانت‌ها بر علیه ملت مظلوم خود شریک بودند، از شعر و قلم یاری طلبیدند.

ایمن العتوم به شکل بارزی از مضامین اجتماعی در شعر خود استفاده می‌کند:

لهذا آنا...مازلتُ أعرِفُهُمْ / لقد خَرَجُوْ جميعاً من حُجُورِ العَذَابِ / قد شَرَبُوا حَلِيْبَ الغَدْرِ من تَدِي الصَّبَاعِ
 لهم يُنكِرُوا أبدأ... / وَ أَجَبِيَهُمْ تَعَرَّى من نُصُوصِ الدَّوْرِ فوق المَسْرَحِ القَوْمِي / وَأَعْلَنَ أَنَّ له نَسَبٌ يُمْتُّ
 لقينقاع / وَ تَبَرَّأْتُ مِنْهُ تُيَابُ النَّاسِكِيْنَ / فَارِقُ الوَجْهِ القِنَاعِ (العتوم، ۱۹۹۷م: ۱۶).

(ترجمه): «من آنها را به خوبی می‌شناسم / همه آنها از سوراخ‌های غرب آمده‌اند (مزدور غرب) / و شیر خیانت از گرگ‌ها خورده‌اند / و هیچ وقت منکر آن نیستند / و پیشانی آنها حیا ندارد که مردم را هم چون نمایشنامه کردند / آری این‌ها حسب و نسبشان به بنی قنیقاع (یهودیان) که تمام مردم و زاهدین از آنها دوری جستند / و پرده‌های قناع از روی چهره واقعی آنها برداشته شد / حقیقت و ماهیت آنها کشف شد».

در این قصیده، شاعر تلاش می‌کند چهره مزدوران غربی آمریکا و انگلیس که حامی یهودیان غاصب بودند را نشان دهد و آنها را به سرزمین بیت المقدس - اولین قبله مسلمین - و کشور مظلوم فلسطین روانه کرده و با غصب کردن سرزمین فلسطینیان آن را از وطن خود بیرون کردند و چهره نفاق، دورویی و ظلم را در این سرزمین کاشتند. شاعر خود را همراه و همگام با مردم می‌داند و اصل و نسب را برایشان بیان می‌کند.

۲-۲. ظلم و خشم

به معنای ستم و آزار است و ظلم کردن هر یک از افراد جامعه در واقع آسیبی به خود او و اطرافیان می‌باشد و این جزء بحث‌هایی است که می‌توان گفت هیچ دوره‌ای از تاریخ از آن خالی نبوده و البته

امر هميشگى هم به شمار نمى‌رفت؛ اما ما روزانه به وفور آن را در بخش‌هاى مختلف سياسى، اجتماعى و اقتصادى ... جامعه خود و بيرون از آن مشاهده مى‌کنيم و آيات بسيارى به مساله ظلم در قرآن اشاره کرده از جمله آيه: «سكنتم فى مسكين الذين ظلموا انفسهم و تبين لكم كيف فعلنا بهم و ضربنا لكم الأمثال» (ابراهيم: ۴۵). (ترجمه): «(در منازل كسانى كه به خود ستم كردند ساكن شديد در صورتى كه براى شما روشن و آشكار است كه ما با آنان به (سبب ستم‌هايش) چه كرديم و براى شما مثال‌هاى پندآموزى از جامعه‌هائى كه به وسيله عذاب نابود شدند ذكر كرديم)». بر اساس اين آيه جا دارد از عاقبت ظالمان و ستمگران درس عبرت بگيريم و با ديدن عاقبت سنگين آنان در اين دنيا و دنياى آخرت، از اين كار زشت دورى كنيم. «ادبيات ما سرشار از آثارى است كه در آن شعراء و اديبان مردم را به مبارزه عليه ظلم و خشونت دعوت به عمل آورده‌اند» (فولاد، ۱۳۹۳: ۶۱) و «اين ظلم را مى‌توان به عنوان سرچشمه تمام مفساد اجتماعى در جامعه به شمار آورد. جور و ستم نقطه مقابل عدل و قسط به شمار مى‌آيد كه باعث اضمحلال حكومت‌ها و ويرانى جوامع بشرى مى‌شود» (شب‌خيز، ۱۳۹۵ش: ۹۶). عده‌اى از شاعران، در اين زمينه، گام در صحنه حمايت از اين مبارزات قرار دادند و با سلاح‌هاى برنده خود كه همان اشعار آنهاست در رنج و سختى هموعان خود شريك شدند و آنها را در راه دستيابى به آرامش و بيرون آمدن از شرايط يارى كردند.

يا ثوره الجوع المجيدة / يا ثوره الشرفاء لا ... لا اصفياء هنا... / تفرق بيننا لحم القبائل / كلنا فى المعمة / لا ارضيون انتهوا / سقطت عباة العشيرة / وانتهى شعب تمرس فى النضال لهم وواجه مصرعه (العنوم، ۱۹۹۷م: ۱۴).

(ترجمه): «اى انقلاب گرسنگى ستوده / اى انقلاب ثروتمندان نه برگزیدگان / بين ما گوشت قبایل پراکنده مى‌سازى (اشاره به جنگ و خونريزى) // همگى در جنگ و اوج سختى هستيم و اين جنگ در ميان اردنی‌ها تمام نمى‌شود / لباس‌هاى بلند قبیله افتاد (افراد بزرگ و سروران کشته شدند) // و آن ملتى كه در درگيرى‌هاى كه پيش مى‌آمد شكيبايى مى‌كردند همگى كشته شدند».

در اين اشعار شاعر به بيان ظلم و ستم مى‌پردازد و آن را يك انقلاب بزرگ و تحولى شگرف براى ثروتمندان و خواری و ننگى بر ملت خویش مى‌داند و ملتس را ملتى كه آسایش و آرامش آنها توسط اشخاصی ظالم سلب شده، برمی‌شمارد و با آوردن منادا در ابتدای این شعر، نیروی اثر گذاری متن را در خواننده بیشتر مى‌کند. العنوم در قصیده دیگر ظلم و ستم را چنین توصیف مى‌کند.

وَهُمُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَالتَّارِخَ وَ الشَّعْبَ الضَّعِيفَ / وَ يَسْكُرُونَ عَلَى دِمَاهِ / مِنْ أَيْنَ صَارَتْ كَلِمَةُ
الْأَحْرَارِ خَائِنَةً ... / وَ صَارَ الشَّعْرُ جُرْمًا / وَ الْقَصِيدَةُ قُبْلَةً؟! / مِنْ أَيْنَ صَارَ الْحَرْفُ سَفَاحًا ... / وَ صِرَتْ
المُشْكِلَةُ؟! (العتوم، ۱۹۹۷م: ۱۸).

(ترجمه): «آن‌ها با خدا و تاریخ و مردم ضعیف و بی‌کس محاربه و جنگ می‌کنند (کسانی که این
تهمت را می‌زدند) // با خون مست می‌شود (یعنی خونریزی و خون آشام هستند) // از کی و کجا کلمه
آزادی خائن شده / شعر جرم و گناه شده به حساب می‌آید / و قصیده تبدیل به بمب شده / و از کی
سخنان حق خونریز شده‌اند و حرف زدن باعث خونریزی می‌شود».

در این قصیده، نویسنده از دشمنان و بیگانگان سخن به میان می‌آورد، آن‌هایی که تمام تلاششان
خفه کردن صدای انقلابیون و آزادی‌خواهانی است که کلمه آزادی را خیانت و شعر را هم‌چون گناه و
قصیده را هم‌چون بمب بر سر خود می‌دانند که دائم با خدا و ملت مستضعف در جنگ و خونریزی به
سر می‌برند و شاعر برای بیان این خشونت از جملات و کلمات قاطع و کوبنده استفاده می‌کند و این
ظلم و بی‌رحمی استعمارگران را با آوردن تشبیهات به صورت نمادین به صورت مستمر تاکید و بیان
می‌کند. در جایی دیگر شاعر امید خود را به آینده‌ای روشن و برچیده شدن ریشه و اساس ظلم
ستیزی تاکید می‌کند.

هنا سأحارب كل الطغاة و أکشفهم / هنا سأبارک ثورة شعبي (العتوم، ۱۹۹۷م: ۸۵).

(ترجمه): «من با ستمگران می‌جنگم / انقلاب ملت را تبریک می‌گویم».

شاعر امید دارد که ریشه این ظلم برچیده خواهد شد و سرانجام امتش را که پیروزی است نوید می‌دهد.
ایمن العتوم در ابیات دیگر از همین قصیده می‌سراید:

أنا الحزن الحزن منى ... وللحزن شوق إلى ... / و في له ألف مهبوى قشيب / و ما دام شعبي يعانى من
الظلم و الإنشقاق ... / و يعنو لجأده ... / فسأبقى حزينا ... إلى أن أموت ... (همان، ۸۶).

(ترجمه): «من غمگینم و غم از من است ... و برای اندوه اشتیاقی است نسبت به من ... / و در من برای
او هزاران خواسته خشک است (آرزوهای دست نیافتنی) / تا زمانی که ملت من از ظلم و سختی رنج
می‌برد / و همدست شکنجه‌گر ... / غمگین خواهم ماند ... / تا بمیرم».

ایمن العتوم در این شعر اظهار می‌کند که فردی محزون و غمگین است و این غم را همراه
همیشگی خود به شمار می‌آورد و راه رهایی از آن را دست‌یابی به آرزوی دیرینه‌اش که همان رهایی
ملتش از ظلم و ستم است می‌داند.

۳-۲. زندان

شیوه مجازات و کیفر در دوره‌های مختلف تاریخ متفاوت بوده و با گذشت زمان کم و بیش تغییراتی در آن به وجود آمده است و در گذشته مجازات نسبت به امروز شکلی خشن‌تر داشت و در عصر معاصر به خاطر شرایط سیاسی کشورها و اوضاع نامساعد آنها توجه بیشتری به زندان شد و در واقع نقش پر رنگ‌تری به خود گرفت و زندان به نوبه خود به عنوان محیطی مملوء از اثرات مخرب بر روی زندانیان قلمداد شد و این محیط در ذهن فرد زندانی شده تأثیراتی چه بسا بیشتر از تأثیر بر جسم آن‌ها دارد؛ اینجاست که زندان از لحاظ روحیه زندانیان را افرادی انتقام‌گیر و آشوب‌طلب بار می‌آورد. «فریاد ضجر در نزد ادیبان زندانی زیاد شد به خاطر اوضاعی که در آن زندگی می‌کردند و آن فریادها تنها انعکاسی از شرایط درونی که در آن رنج می‌بردند بود» (کیلانی، ۱۳۹۱ش: ۱۰۹ به نقل از الصمد، ۱۹۹۵م، ۸۰). «العتوم شاعر اردنی به خاطر آن ادبیات و سروده‌هایش زندانی شد ولی شعر و ادب را ترک نکرد و در آن باقی ماند و برای دیگران آن را بیان کرد» (علوی: ۱۳۹۷ش، ۴۲). شرایط سیاسی و اجتماعی در کشور فلسطین در آثار ادبی مثنور و منظوم زیاد به تصویر کشیده شده است و این درگیری‌ها فقط مسلحانه نبوده، بلکه همه وسایل آن جامعه بر ضد آن بسیج شده است (کواری، ۲۰۱۹م: ۴۹). به سبب پیوند عمیقی که بین شاعر و محیط و وقایع جامعه وجود دارد، او این چنین علاقه خود را به هم‌وطنان خود از پشت میله‌ها بیان می‌کند.

فيا أصدقائي ... الذين وقفتم معي خلف قضبان سجنی / كاني أسامرُكم بين جُدُرانه / وَ هَوَاكُم مقیمُ
معى لا تغيب لنا/ لنا أن نسیرَ يراماً/ لنا أن نسیرَ يراماً/ الى حيث شاء الله (العتوم، ۱۹۹۷م: ۸۶).
(ترجمه): «ای دوستان من ... کسانی که همراه من پشت میله‌های زندان ایستادید/ گویی من بین دیوارهایش شب زنده‌داری می‌کنم/ عشق و علاقه من به شما است و پنهان نمی‌شود/ و بر ماست که راه را بزرگوارانه ادامه دهیم/ تا جایی که خدا بخواهد».

در این قسمت شاعر دوستان خود را ندا می‌دهد و خود و آنان را به ادامه قیام دعوت می‌کند که تا آخرین قطره خون خود مقاومت کنند، تا دولت ظالمان و غاصبان را از کشور خود بیرون براند و امیدوارانه راه خود را جهت رسیدن به افقی روشن و مسیری هموار ادامه می‌دهد.

و در ابیات دیگر از همین قصیده چنین بیان می‌کند:

أحبكم ايها المالكون فوادی / هذا القريب المسافرِ دوماً/ أما أن أن يستريحَ / و من بعده أن يَؤوبَ /
تقولون: أنفقت زهرة عمرک/ بين السجون ... رفيق التشرّد/ مستعظماً أن تعيشَ صموتاً (همان، ۸۴).

(ترجمه): «ای مالکان قلبم، شما را دوست دارم/ این مسافر نا آشنا همیشه/ با اینکه زمان آن رسیده که استراحت کند/ و از دوری‌اش برگردد/ دوستانش می‌گویند گل زندگیت در هم پیچید در بین زندان‌ها/ ای بزرگ متکبر شده که می‌خواهی در سکوت زندگی کنی».

شاعر در این قسمت از دوستانش و از اوضاع خود می‌گوید و به آرزویی که در ذهن دارد اشاره می‌کند. او می‌گوید: عمر و جوانی‌ام را به خاطر مبارزه با دولت ستمگر پشت میله‌های زندان گذراندم و لذت‌ها و خوشی‌های زندگی را در حبس تجربه کردم و حال که به خود آمدم دوران جوانی‌ام به پایان رسیده است. پس می‌توان گفت که سرزمین اردن به خاطر نظام استبدادیش باعث شد که شاعر بیش‌تر عمر خود و رویاهای شیرین جوانی‌اش را در پشت میله‌ها سپری کند.

۴-۲. شهادت طلبی

شهادت‌طلبی، گرایشی است که توجه انسان را از جسم خود به طرف بعد الهی و روحی می‌کشاند و این مسئله در ادبیات معاصر به خاطر شرایط زندگی شاعران و جامعه آنها، نقش بسزایی را ایفا می‌کند و ارزش و منزلت انسان را به جایگاهی اعلاء نزد پروردگار سوق می‌دهد. همان طور که قرآن درباره شهادت می‌فرماید: «أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» (قرآن کریم، آل عمران: آیه ۶۹). و به این امر که شهیدان در نزد پروردگار خود زنده‌اند و روزی می‌گیرند اشاره می‌کند و آخرت را برای شهیدان، بهترین مکان به خاطر جان‌فشانی‌هایی که کردند، می‌داند و فرد شهادت طلب هنگامی که وطنش درگیر نبرد و شورش باشد با غیرت و تعصب مانع از دست دادن وجبی از خاک میهن خود می‌شود و با رها کردن خانواده خود، از میهن که در واقع خانواده بزرگ اوست پا به میدان مبارزه می‌گذارد و هیچ ترسی از فدا کردن جان خود در راه وطن ندارد. «شهید همان انسان بزرگواری است که در راه آزادی و حفظ استقلال وطنشان به پا می‌خیزد و همه شهیدان در هر کشوری در جهان در طول صفحات تاریخ، اسمشان جاودانه می‌ماند» (علوی محمدیان، ۱۳۹۷ش: ۳۹). ایمن العتوم در این قسمت به بیان مضمون شهادت طلبی می‌پردازد:

أَنْتَ تَهْدِيهِمْ دِمَاءَكَ وَرِدَةً وَقُرْنُفْلَةً (العتوم، ۱۹۹۷م: ۱۸).

(ترجمه): «شما در مقابل آن‌ها خون خود را همچون گل سرخی تقدیم کردید».

شاعر جان‌فشانی ملت خود را در اوج نبرنگ‌های مکرر دشمن مقدس می‌شمارد و آن را در لابه‌لای اشعارش با مضمون ظلم و ستم و وطن و ... یادآور می‌شود و افراد میهنش را با واژه (ورده) که نمادی از ایثار و شهادت طلبی در راه عشق به میهن است، توصیف می‌کند. و در قسمتی دیگر از اشعارش به

توصيف ايثار همنوعان خود می‌پردازد: سيشر بون دماء عزتهم و يقتلون من أجل الكرامات الفقيده (العتوم، ۱۹۹۷: ۱۴).

(ترجمه): «خون عزتشان را خواهند نوشيد به خاطر بزرگی‌های از دست گرفته با هم جنگيدند». شاعر در اینجا، شهيد را فردی ايثارگر بر می‌شمرد که جان خود را برای مقصد الهی صرف می‌کند. از نظر شاعر، هر چند مرگ برای همه امری قطعی و اجتناب ناپذير است، لذا چه بسا بهتر باشد که در راه خدا و رسيدن به درگاه قرب الهی باشد.

۵-۲. عدالت خواهی

این واژه یکی از مهم‌ترین واژه‌ها در قرآن کریم است و از مهم‌ترین جنبه‌ها جهت ایجاد رفاه در جامعه به شمار می‌رود. با یادآوری اسم عدالت مفاهیمی چون برابری و مساوات در ذهن ما مطرح می‌شود. «عدالت همیشه از مهم‌ترین دغدغه‌ها و آرمان‌های انسان بوده است و به لحاظ نظری از مباحث مهم علوم عقلی، دینی، سیاسی، اجتماعی، قضایی، اقتصادی و ... محسوب می‌شود (مصدق، ۱۳۹۵: ۷). در واقع این واژه یکی از واژه‌هایی است که ایمن العتوم از سر بصیرت و آگاهی، جنبه‌های اجتماعی، آن را در اشعار خود منعکس می‌کند و سعی دارد به بیان معنای واقعی آن در جامعه بپردازد. «عدالت و برابری بین همه انسان‌ها در واقع به عنوان رکن اساسی عقیده اسلامی است، که بین سیاه و سفید و فقیر و ثروتمند و بین حاکم و فرد محکوم شده هیچ تفاوتی قائل نمی‌شود» (سمتی و نقوی، ۱۳۹۱: ۱۴ به نقل از موسی، ۲۰۰۵ م، ۵۴) آرزوی داشتن جامعه‌ای عدالت خواه، مربوط به تمام ادوار است که شاعر بزرگ اردنی به خاطر حضور در دوران پر آشوب اوضاع کشورش و در پی تحولات روحی درون و تحولات اجتماعی در جامعه خود، آن را در قصایدش مطرح کرد و در راه ایجاد عدالت و مساوات در جامعه تلاش می‌کند.

العتوم در این قسمت از قصیده می‌گوید:

حَقُّ يَضِيعُ وَلَا يَعُودُ/ الْحَقُّ يَنْتَزَعُ اتِّزَاعًا/ هَذَا أَنَا/ شَعْبٌ يَعَذَّبُ فِي السُّجُونِ بِغَيْرِ ذَنْبٍ/ ثُمَّ يَسْلَبُ دُونَهُ
حَقُّ الدَّفَاعِ (العتوم، ۱۹۹۷: ۱۶)

(ترجمه): «حقی که تباه می‌شود و بازگشتی ندارد/ حق از ما به زور گرفته می‌شود/ آری این من هستم/ مردم در زندان‌ها بدون هیچ گناهی شکنجه می‌شوند/ و اجازه دفاع از خودشان سلب می‌شود».

ایمن العتوم در این قسمت به شیوه مستقیم حقوق ضایع شده خود و مردم سرزمینش اشاره می‌کند که سهمی از عدالت در سرزمینشان نداشتند و از دیدگاهش عدالت یعنی زوال ظلم و ایجاد امنیت و

آرامشی به دور از شکنجه است. شاعر با تکرار صورت‌های مختلف حرف (ز-ض) آهنگ و نغمه درونی را در شعرش ایجاد کرده است.

و در ابیاتی دیگر از همان قصیده چنین بیان می‌کند:

لیلٌ و جئناکی یكون له شعاعُ البحر هاجَ بنا (همان، ۱۷).

(ترجمه): «ما آمدمیم تا نور و روشنایی برای شب و تاریکی دریا علیه امواج پر تلاطم باشیم».

در این قسمت به تقابل معنادار دو واژه روشنایی و تاریکی می‌پردازد و از دیدگاه او تاریکی، نمادی از جامعه خفقان زده، بی‌عدالت و مملو از فساد است. شاعر اردنی در اندیشه‌اش، بر گسترش عدالت توسط حاکمان در شرایطی که دولت‌های غربی نظام امور جامعه را در دست گرفته‌اند و عصری مملو از نابرابری اجتماعی را رقم زده‌اند به تصویر می‌کشد. او تلاش می‌کند از اوضاع مردمی که ناعادلانه ضجر می‌کشند سخن بگوید.

نموتٌ و لیسَ مَنْ یأسی علینا/ نرْمی فی السجون مُکْبَلینا/ نساقُ الی المحاکمِ دُونِ ذنب/ علی اسمِ عدالهِ عَفَنَتْ قُرُوناً به قوانینُ لغربی لئیم/ و ما زلنا لها مستعمریناً (العتوم، ۱۹۹۷م: ۶۳).

(ترجمه): «می‌میریم هر چند بر ما ناامیدی نیست/ و دست بسته به زندان انداخته می‌شویم/ بدون هیچ گناهی به سوی دادگاه فرستاده می‌شویم/ به اسم عدالت قرن‌ها پوسیده شدیم و این قوانین پست استعمارگران غرب است/ همچنان ما در استعمار آنها هستیم».

شاعر با آگاهی کامل از ساختار جامعه و حاکمان و دولت‌های غاصب بر عدالت طلبی تاکید می‌کند و با شجاعتی ستودنی وبا لحن گزنده، زبان به انتقاد از حاکمان و غاصبان می‌پردازد و خودش را از مردم می‌داند و بیان می‌کند که او متعلق به دربار یا ممدوح خاصی نیست و اعتقادش بر این است که از عدالت جز اسم چیزی باقی نمانده است و حق دست نیافتنی شده است لذا سوق دادن مردم به زندان و دادگاه در واقع چیزی جز دسیسه سیاسی نیست و نماد بی‌عدالتی است که غربیان آن را تا زمانی که ما در استعمار آنها هستیم بکار می‌گرفتند.

۴-۶. فقر زدایی

فقر در واقع، یادآور تمام مشکلات و سختی‌هایی است که بیشتر افراد جامعه، کم و بیش بر اساس شرایط موجود در جوامع خود با آن روبرو می‌شوند و انسان فقیر کسی است که دارایی و ثروتی جهت رفع نیازهای اساسی و روزمره زندگی خود را ندارد و در این حالت آن فرد فقیر به حساب می‌آید و شرایط زندگی او را فقر می‌نامند.

بدون شك، فقر یکی از معضلات اجتماعی است که با وجود توسعه زندگی اجتماعی انسان‌ها، به میزان قابل توجهی در جامعه دیده می‌شود «ولی با افزایش ارتباط با غرب در قرن بیستم، ادبیات معاصر عربی به این مقوله آگاهی و توجه خاصی پیدا کرد و مشکلات طبقات محروم، محکوم کردن نظام حاکم و کم کردن فاصله طبقاتی از اهداف اصلی شاعران گردید» (سرای‌لو، ۱۳۹۱: ش: ۲۳). تصویرسازی ایمن، از فقر در واقع به خاطر فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دفاع از مردم سرزمینش بود. «فقر حاصل روابط ناسالم اقتصادی انسان‌ها در عرصه اجتماع است و انسان‌ها به خاطر حس خودخواهی و علاقه شدید عده‌ای به مالکیت در جامعه دچار فقر و بدبختی می‌شوند» (مجیدی و صارمی، ۱۳۹۳: ش: ۲۴ به نقل از سیدی، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

شاعر در این قسمت به مسئله فقر اشاره دارد و می‌گوید:

هذه الكلمات من القلب / برد الجنوب له ألف برد الشمال (العتوم، ۱۹۹۷: ش: ۸۳).

(ترجمه): «سرماى ملايم جنوب اگر معشوق نداشته باشد/ به هزار سرماى سخت شمال تبديل مى‌شود». در این قسمت با بیانی مفهومی و غیر مستقیم، حس خود را نسبت به فقر و تنگدستی دوستان و یاران بیان می‌کند. تجربه شخصی شاعر و ظلم و ستم حاکمان و غاصبان باعث شد که چنین احساسی در وجودش نسبت به فقر ایجاد شود و شاعر اشعار خود را جلوه‌گاهی از سختی‌هایی که مردم به خاطر نداری تجربه می‌کنند قرار داده است.

در قصیده‌ای دیگر چنین بیان می‌کند:

سَتَمُّ أَعْوَامٌ كَأَعْوَامِ الرَّمَادِ عَلَى بِلَادِي / لَا شَيْءَ غَيْرَ الْجُوعِ ... وَ الْفَحْشَاءِ ... / وَ الْأَحْزَابِ ... وَالْفِرْقِ الْعَدِيدَةِ / سَيَمُرُّ مَنْ أَكَلُوا التُّرَابَ عَلَى الْبِيَادِرِ (العتوم، ۱۹۹۷: ۱۴).

(ترجمه): «سالها همچون سالهای خاکستر بر کشورم می‌گذرد/ و غیر از گرسنگی... و فحشا... و جنگ ... و گروه‌های متعدد چیزی نیست/ و روزهایی که خاک در بیابان‌ها را خوردند خواهد گذشت».

شاعر در این قسمت شرایط را گذران می‌داند و به عنوان یک شاعر اجتماعی، طعم تلخ نداری و فقر در جامعه را چشیده است و اوضاع کشورش را با گذر سال‌های متوالی هم‌چون روزگار خاکستری می‌داند که بی سود و منفعت است. و عناوین رماد و التراب و بیادیر در واقع جهت تفکر نسبت به مسئله فقر و گرسنگی در این اشغال و آشوب‌ها را نشان می‌دهد؟؟؟، که چگونه زندگی مردم تحت تاثیر این نابودی و ویرانی قرار گرفته است؛ چرا که از پیامدهای فقر در جامعه می‌توان به ضعف در دانش، آموزش و محرومیت جامعه از رسیدن به درجات بزرگ علمی به خصوص برای طبقات محروم دانست.

۷-۲. وطن گرایی

واژه وطن و دیگر واژگان مترادف آن، در فرهنگ‌ها دارای معانی و مصادیق فراوانی است. «گاهی منظور از وطن، ساکن شدن و اقامت گزیدن درجایی است؛ گاهی محل اقامت است و در پاره‌ای از موارد زادگاه فرد، سرانجام وطن و مترادف آن میهن، کشوری که شخص در آن متولد شده و نمو کرده است» (مجدم، ۱۳۹۸ش: ۱۰۶ به نقل از معین: ذیل کلمه وطن).

در عصر معاصر به دلیل سلطه گری و استعمار دولت‌های بیگانه، ادیبان بیشتر به قضایای وطن توجه کردند و در واقع وطن را معادل آبرو و شرف هر انسانی دانستند. از نظر این شاعران، هر فردی با وطن خود انس می‌گیرد و به آن وابسته می‌شود و این شاعران به مضامین مقاومت، پایداری و مضامین اجتماعی در شعر و آثارشان روی آوردند و لذا عشق به وطن در شعر آنان جایگاه ویژه‌ای دارد و بر این اساس کوشیدند با بیانی نمادین، تصویری را از اجتماع خود برای خوانندگان ارائه دهند. «وطن‌خواهی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم انسانی است که واژه‌هایی چون اتحاد و برادری و همبستگی را تداعی می‌کند» (مجدم، ۱۳۹۸ش: ۱۰۷). هر وطنی دارای تاریخی کهن است که هر فرد ساکن در آن، به آن افتخار می‌کند. «شاعر ایمن العتوم هر چند طعم تلخ زندان و محرومیت را چشیده ولی عشق به وطن و خانواده‌اش را برابر عشق به خود می‌داند» (کواری، ۲۰۱۹م: ۳۹). از نظر شاعر، وطن جایگاهی است که تمام حوائج و نیازهای ما را فراهم می‌کند. «عشق به وطن جایی است که شاعر از آن می‌سراید و آنچه از آسمان و گل و درختان و هر آنچه زنده می‌شود و می‌میرد را شامل می‌شود» (شریفی، ۲۰۱۹ م: ۳۹).

دیوان نبوءات الجائین ایمن العتوم به بیان خشم و غضب و خیانت دشمنان می‌پردازد و مردمان و وطنش را با اوصافی احساسی و تحریک آمیز به تصویر می‌کشد.

در این قسمت از قصیده شاعر می‌گوید:

هو أنتَ یا وطنی / و أمرٌ کَلَّمَا حَمَلُوا عَلَیْکَ حَلْفَتَآ أَلَّا تَحْمِلَهُ / هم یَبْعُوکَ بِلا مُقَابِلَ غَیْرَ ذَلِّ الْمَسْأَلَةِ / هُم یَطْعُونُکَ فِی الظُّهُورِ (العتوم، ۱۹۹۷: ۱۸).

(ترجمه): «تو ای وطن من / آن کاری که همیشه بر دوش تو می‌خواهند بگذارند تا ذلت را قبول کنی قسم خوردی که هیچ وقت بار ذلت را حمل نکنی همانا هستند که تو را بدون هیچ مقابلی فروختند غیر از گدایی و آنها تو را از پشت خنجر می‌زنند».

در این قسمت، شاعر وطنش را مورد خطاب قرار می‌دهد و به بیان حيله و توطئه‌های دشمن می‌پردازد و در توصیف مردمان سرزمینش آنان را مردمانی عاری از خیانت و انتقام معرفی می‌کند و در ابیات دیگر همین قصیده، شاعر چنین در مورد وطنش می‌گوید که:

انتَ يَا وَطَنِي: شُعُوبٌ غِرَّةٌ وَالْتَهُمُ سَبْعِينَ عَامًا / ثُمَّ سَيَقَتُ كَالْخِرَافِ دَلِيلَةً لِّلْمَقْصَلَةِ هَلْ يُؤْتِمُّ الْمَوْتَى إِذَا مَاتُوا (همان: ۱۹).

(ترجمه): «تو ای وطن من این ملت‌های که فریب خوردند و با آنها هفتاد سال هم پیمان شده‌اند و این ملت‌ها مثل گوسفند به سوی کشتارگاه برده شدند آیا مردگان گناهکار محسوب می‌شود هنگامی که مرده‌اند».

در این قسمت از اشعار، شاعر روحیه یک فرد مبارز را دارد. او وطنش را به صورت متوالی، درگیر ظلم و ستم اشغالگران و ستمگران خارجی می‌داند و ستم‌هایی که بدون هیچ گناه و تقصیری بر آن‌ها اعمال شده است را بر ملا می‌سازد او از برخی از مردم که راه سازش با دشمن را در پیش گرفتند و به خاطر این سازش، چوبه دار سهم آن‌ها شد انتقاد می‌کند. شاعر در این قصیده، اوج صبر و طاقت مردمان سرزمینش را نسبت به شرایط خفقان و سختی‌هایی که بر آن‌ها وارد شدند را به تصویر می‌کشد. و سلاح‌خانه را نمادی از اعدام، در جامعه‌ای پرآشوب معرفی می‌کند.

شاعر در قصیده‌ای دیگر چنین بیان می‌کند:

أُنَى غَرِيبٌ غَرِيبٌ ... / أَحْيَابَ قَلْبِي ... / لَكُمْ فِي الْفُؤَادِ الْحَكَايَا / الَّتِي لَمْ تَرِدْ فِي خَيَالِ (بَدِيعِ الزَّمَانِ) ... / وَلَا فِي سَطُورِ (ابن حزم) ... / وَلَا فِي أَسَاطِيرِ (قيس) ... / وَلَا بَيْنَ (الْأَمِّ فَارْتَر) (لجوته) ... / وَلَا (الْبُؤْسَاءِ) (لفيكتور هيجو) ... / وَلَا فِي الزَّمَانِ الْبَعِيدِ وَلَا فِي الْقَرِيبِ / هُوَ الْحُبُّ أَسْبَلْتُ جَفْنِي عَلَيْهِ / وَعَبَاتُهُ فِي حُرُوفِي ... / وَأَسْكَنْتُهُ فِي الْقُلُوبِ / هُوَ الْحُبُّ يَقْتُلُنِي ... أَهْ كَمْ أَنَا أَهْوَاكُمُ ... (همان، ۸۴).

(ترجمه): «من غریبم غریبم ... / عزیزکان قلبم ... / در قلبم داستان‌هایی است / که در خیال و تصور (بدیع الزمان) وارد نشده است ... / و در شهرهای ابی‌حزم ... / در داستان‌های قیس ... / و در میان دردهای گوته ... / و نه در فکر فیکتور هوگو ... / نه در زمان دور نه نزدیک ... / و آن عشقیست که پلک‌هایم برایش اشک ریخت / و آن را در قالب حرف‌هایم ریختم ... / و در قلبم ساکن کردم / و آن عشق مرا می‌کشد ... / آه چقدر من عاشق و دلباخته شمایم...».

شاعر خود را فردی غریب و دور از وطن معرفی می‌کند که احساس غریبی می‌کند و حکایت قلب و احساس درونش را نسبت به هموعان و وطنش زیاد می‌بیند که اوج آن را با آوردن اسامی از

نویسندگان و شاعران بزرگ بیان می‌کند و هر کدام را به عنوان سمبلی در جوانب مختلف آثار ادبی قلمداد می‌کند و برتری آن‌ها را برای خواننده به اثبات می‌رساند، ولی عشق خود را عشقی پایان‌ناپذیر در کنار چنین شخصیت‌هایی معرفی می‌کند.

نتیجه

ایمن علی حسین العتوم شاعر اردنی است که زمان زیادی از عمر خود را در زندان گذرانده است. او چند دیوان شعر و داستان‌های مختلفی دارد که مضمون بیش‌ترین آثارش، در زمینه ادبیات پایداری و مضامین آن است. بین زندگی نامه او و مقاومت، رابطه‌ای محکم و نزدیک دیده می‌شود؛ به همین خاطر آثار ادبی او دارای جایگاه ویژه‌ای در ادبیات عربی است و با بررسی اولین دیوان او (نبوءات الجائعين) مضامین اجتماعی قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود که درون مایه اصلی این دیوان، مشکلاتی است که شاعر به اشکال مختلف جسمی، روحی و روانی با آن درگیر بوده و دیوانش سرشار از این مضامین است که امید به آینده‌ای روشن و پیروزی جبهه حق را به مردمان سرزمینش ندا می‌دهد. دعوت به مبارزه تفکرپرست که ایمن العتوم هم‌نوعان خود را به آن فرا می‌خواند و آن را سرفصل دیوان خود و عاملی برای موفقیت معرفی می‌کند. در تمام قسمت‌های دیوان، بیش‌ترین تاکید شاعر بر موضوع وطن، ظلم و خشونت است که به عنوان بارزترین مضامین شعری او قلمداد می‌شود. او معتقد است که عامل تمام بدبختی‌های مردم فقیرپرست که حاکمان و غاصبان زورگو برایشان رقم زدند و در ادامه، خیانت و نفاق را به عنوان یکی از رفتارهای مزدورانه و ظالمانه که بر آن‌ها از سوی کشورهای غاصب تحمیل شده معرفی می‌کند. ایمن العتوم خواستار برپایی عدل به عنوان موضوعی مهم که نقش بسزایی برای رسیدن به آرامش و آسایش و دوری از فساد دارد است؛ بنابراین می‌توان گفت که تمام این موارد بر این نکته اشاره می‌کند که شاعر به مسائل اجتماعی سرزمینش توجه ویژه‌ای دارد و خود را در سرنوشت آن‌ها شریک می‌داند.

منابع و مراجع

- ريتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظرية جامعه شناسى در دوران معاصر. تهران: گلرنگ يکتا، ط ۱۶.
- سراى لو، ثريا (۱۳۹۱هـ.ش)، فقر و غنا در شعر معروف رصافى، پايان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه سمنان و دانشکده ادبيات و علوم انسانی، ايران.
- شبخيز، زهرا (۱۳۹۵هـ.ش)، بررسى مضامين اجتماعى در شعر عبدالرحمن شکرى، پايان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه قم و دانشکده علوم انسانی، ايران.
- شريفى، جليله (۲۰۱۹ م)، «دوانع الرفض و أنماطه عند الشاعر الأردنى أيمن العتوم»، مجله ذى قار، العدد ۳۰: ۲۴۰-۲۷۱.
- شريفى، جليله (۱۳۹۷هـ.ش)، تجليات الرفض فى شعر أيمن العتوم، پايان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه خليج فارس و دانشکده ادبيات و علوم انسانی، ايران.
- علوى محمدیان، سيده فاطمه (۱۳۹۷ هـ.ش)، نمودهائى ادبيات پایداری در اشعار أيمن العتوم، پايان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه شهيد چمران اهواز و دانشکده الهيات و معارف اسلامى، ايران.
- عميد، حسن (۱۳۴۸)، فرهنگ عميد. تهران: أشجع، ط ۲.
- فولاد، حليمه (۱۳۹۳هـ.ش)، مضامين اجتماعى در اشعار سعاد الصباح، پايان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه سيستان و بلوچستان، دانشکده ترن، ايران.
- قرآن كريم
- مجدم، مينا (۱۳۹۸ هـ.ش)، بررسى مضامين اجتماعى در آثار نازک الملائك، پايان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه شهيد چمران اهواز و دانشکده الهيات و معارف اسلامى، ايران.
- مجيدى، حسن و سکينه، صارمى (۱۳۹۳هـ.ش)، بررسى تطبيقى مضامين اجتماعى در ادبيات حيران و نيما يوشيج. مجله تفسير و تحليل زبان و ادبيات فارسى (دهخدا)، شماره ۲۰: ۳۱-۱۶۹.
- مصدق، سولماز (۱۳۹۵ هـ.ش)، بررسى مفهوم عدالت در ادبيات معاصرا بررسى اشعار نيما يوشيج، احمد شاملو و فروغ فرخزاد، پايان نامه کارشناسى ارشد، دانشگاه اروميه و دانشکده زبان و ادبيات فارسى، ايران.
- نهج البلاغه
- يداللهى فارسانى، عباس (۱۴۴۰ م)، «الأنماط التراثية فى شعر أيمن العتوم ديوان خذنى إلى المسجد الأقصى نموذجاً»، آداب الكوفه، العدد ۳۸: ۵۰۵-۶۲۵.

- سمتی، محمدمهدی و سمانه، نقوی (۱۳۹۱ هـ.ش)، «المضامین الاجتماعیة فی روایة «لیل و قضبان» لنجیب کیلانی». مجله بحوث اللغة العربیة و آدابها، العدد ۷: ۹۳-۱۱۲.
- کوارى، علی (۲۰۱۹ م)، «مظاهر أدب المقاومة فی دیوان نبوءات الجائعين أیمن العتوم»، مجله الباحث، العدد: ۳۳-۵۸.
- ماهوزی، زهرا، بلاوی، رسول و زارع، ناصر (۱۴۰۰ م)، «نقد جامعه شناختی رفتار داعش علیه زنان در رمان علی مائده داعش». فصلنامه علمی نقد ادب معاصر عربی، شماره ۲۲: ۲۶۸-۲۸۸.
- نادری، مرثد و پیشوایی علوی، محسن (۲۰۲۱ م)، «روابط بینا متنی قرآن الکریم در شعر ایمن العتوم»، البحوث المشرة فی المؤتمر الدولي القرآن الکریم و اللغة العربیة: ۴۲۳-۴۵۰.
- یداللهی فارسانی، عباس (۲۰۱۹ م)، «الانزاح الدلالی فی شعر أیمن العتوم دیوان خذنی إلى المسجد الأقصى نموذجاً». الأدب العربی، العدد ۱: ۱۷۴-۱۹۴.



تحليل القيم الاجتماعية في شعر أيمن العتوم (أمثوذجاً ديوان نبوءات الجائعين)

مهوش حياقي^١، رسول بلاوي^٢

(تاريخ الوصول: ١٠/١٢/١٣٩٩، تاريخ القبول: ٢٣/٠٣/١٤٠٠)

الملخص

للأدب علاقة وثيقة بالوضع الاجتماعي في كل مجتمع. في العلاقة القائمة بين الأدب والمجتمع، هناك رد فعل ثنائي الاتجاه للتأثير والتأثير. وفي الوقت نفسه، يرتبط الشعر ارتباطاً وثيقاً بالموضوعات الاجتماعية، الشاعر قد يستخدم الشعر للتعبير عن مشاكل المجتمع. يسعى هذا البحث إلى التعرف على الموضوعات الاجتماعية في شعر أيمن العتوم. مثل أي شاعر آخر، تأثر العتوم بالظروف الاجتماعية في عصره، فتجلت موضوعات مثل الفقر والعدالة والوطنية والقمع والعنف في قصائده. هذا البحث وفقاً للمنهج الوصفي - التحليلي وبالتركيز على الدراسات المكتبية واستخدام تقنية تحليل المحتوى، يهدف إلى معرفة وجهة نظر الشاعر في الوضع الاجتماعي للمجتمع. تظهر نتائج البحث أن الشاعر يعبر عن الزوايا المختلفة للمجتمع المضطرب بلغة حادة ورؤية حاذقة. و الشاعر مصلح. من خلال التعبير عن الموضوعات الاجتماعية، فإنه يؤدي واجبه في خدمة زملائه بشكل جيد ويدعو إلى إعادة الحقوق المنتهكة للناس وإقامة العدل وتجنب القهر والعنف. والشاعر باعتباره مصلحاً، من خلال التعبير عن القيم الاجتماعية، يؤدي واجبه في خدمة أبناء شعبه بشكل جيد، ويدعو إلى إعادة الحقوق المنتهكة للشعب، وإقامة العدل، وتجنب القهر والعنف.

الكلمات المفتاحية: الأدب المعاصر، الشعر العربي، القيم الاجتماعية، أيمن العتوم، ديوان «نبوءات الجائعين».

^١ . طالبة ماجستير في الأدب العربي، كلية الآداب والعلوم الانسانية، جامعة الخليج الفارسي، بوشهر، إيران، بريد إلكتروني: hayatimh1400@gmail.com

^٢ . أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الانسانية، جامعة الخليج الفارسي، بوشهر إيران (المؤلف المقابل)، البريد الإلكتروني: r.ballawy@pgu.ac.ir